



نبرد در روز دانشجو: جمهوری اسلامی با قامت حقیر سرکوب مردم متحد با قامت بلند قیام

دانشگاه در آغوش خیابان

پلیس فرو می پاشد؟

مهدی الهیاری ر بوده شد



جمعیت تظاهرات کنندگان غافلگیر کننده بود

صدها نفر ر بوده، باز داشت و دستگیر شدند



یک مجرم است و باید محاکمه شود. نظام ولایت فقیه که خدایی بر روی زمین گذاشته است که به هیچ کس پاسخگو نیست جایی برای دفاع و اصلاح ندارد. این قانون اساسی و نهادهای قانونی آن سدی است برای حق آزاده و برابری تعیین سرنوشت جامعه توسط شهروندان آن. انحلال بسیج و سپاه و تمام جوخه های فاشیستی دیگر از خواسته های مردم است. این ساختارها دیری است در ذهن جمعی شکسته اند. نابودی این ساختارها و پی ریزی ساختارهایی نوین که تضمین کننده ی زندگی آزادانه و برابر مردم باشند مطالبه ای عمومی است که با پروپاگاندا رسانه ای خاموش نمی شود.

۱۶ آذر نشان داد که این جماعتی که خود را رهبر جنبش مردمی می داند، هیچ سنخیتی با واقعیت جنبش ندارد. آنها راهبردهای دیگری نشان می دهند و مردم معترض گام های دیگری بر می دارند. آنها شعارهای دیگری را تبلیغ می کنند و مردم معترض شعارهای متفاوتی را فریاد می زنند. سخنگویان خودخوانده ی جنبش نطق هایی ایراد می کنند که برخلاف مطالبات مردم معترض است.

زمان آن رسیده است که مردم، در سازمان یابی های محلی خود، صدا و سخن خود را خود منتشر کنند. صدور قطع نامه هایی که در آن مطالبات و خواسته های هر گروه معین شهروندان که در شبکه ای خاص گرد هم آمده اند بیان می شود می تواند صدای اعماق جنبش را به گوش همگان برساند. سخن را از سخنگویان جعلی باید بازپس گرفت. شعار مؤثر است اما کافی نیست. بایست مردم از طریق قطعنامه ها به بیان خواسته ها و طرح مطالبات خود بپردازند.

ساختارهای شکسته، رفوگران رفوزه

۱۶ آذر سپری شد. با شعارهای مرگ بر خامنه ای. مرگ بر اصل ولایت فقیه. خامنه ای قاتله، ولایتش باطله. مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر. شکنجه خیانت، ننگ بر این ولایت. حسین حسین شجارته تجاوز افتخارته. احمدی کم آورده شعبون بی مخ آورده. اگر بسبجی نبود ترانه پیش ما بود. و ...

۱۶ آذر سپری شد. با حضور گسترده و شجاعانه مردم در خیابان ها. که به رغم حکومت نظامی و اشغال نظامی خیابان ها، به خیابان آمدند و برای حضور خود در کوچه و برزن مبارزه کردند و مطالبات خود را فریاد زدند.

۱۶ آذر سپری شد. با حکم قاطع جامعه مبنی بر تداوم حرکت خود تا رسیدن به جامعه ای آزاد و برابر. روز دانشجو گذشت تا فصل جامعه آغاز شود.

گفتند و شنیدیم که شعارهای ساختار شکنانه ندهید. گفتند و شنیدیم که به خیابان ها نیاید و در همان دانشگاه ها مراسم را برگزار کنید. گفتند و شنیدیم. از بخش اصلاح طلب حاکمیت تا نهضت آزادی تا تحلیلگران خارج از کشور گفتند و در رسانه های متعدد و بزرگ شنیدیم. از فلان مصاحبه تا رادیو بهمان گرفته تا این و آن بیانیه ی سبز.

اما مردم و دانشجویان صدای خود را دارند. شعارهای خود را. ولی فقیهی که بر قتل و شکنجه مردم بیگناه نظارت داشته و فرمانده کل قواست از دیدگاه مردم

شجاعی که در خیابان های شرف، رهبری تظاهرات های خیابانی را به دست گرفته اند، زنان و دخترانی که در برابر گاردهای موتوریزه ی ولایت و مزدوران چماق دار بسیجی صحنه را خالی نکرده اند بسی متفاوتند از آن تصویر تخیلی آخوندی درباره ی زن.

ترس؟ مجید توکلی ترسیده است؟ دانشجویان ترسیده اند؟ مردم متحد ترسیده اند؟

حکومت آرزوی خود را با واقعیت اشتباه گرفته است. آنها کوشیدند با قتل و تجاوز و شکنجه فضای رعب و ترس را ایجاد کنند. آنها هر کاری کردند تا مردم ترسند و در کنج های عافیت خود عقب بنشینند. اما، اما مردم بیان این کلام شدند که:

هراس من از مرگ نیست
ترس من از مردگی است
هراس من از تازیانه نیست
درد من از بردگی است

شجاعت شگفتی آور مردم در خیابان ها تمام محاسبات رژیم را برهم ریخته است. مردمی که بازو به بازوی یکدیگر داده اند نمی ترسند آقایان. شما هستید که از وحشت سرنوشت خود پس از سرنوشتی حکومتتان در پیراهن های چریکیبتان می لرزید.

این دانشجویان، این کارگران، این زنان، این مادران و این خیل به پاخواسته گان نمی هراسند، چرا که می دانند اکنون با هم هستند. با هم هستند تا بنیاد استبداد و تبعیض را براندازند.

در ردایی از اراده و خشم، زخم ناپذیر است این هیأت برخواسته از اعماق شهر.

چه کسی ترسیده است؟

خبرگزاری های فاشیستی حکومت با انتشار عکس هایی جعلی مدعی شده است که مجید توکلی را در حالی دستگیر کرده اند که در چادر و مقنعه قصد گریز از دانشگاه را داشته است.

مجید توکلی دانشجوی رشته مهندسی کشتی سازی دانشگاه امیر کبیر و از فعالین سیاسی این دانشگاه است که پیش از این نیز ماهها تحت شدیدترین شکنجه ها در زندان های جمهوری اسلامی قرار گرفته بود. او پیش از ۱۶ آذر نوشته بود: برای آزادی به استقبال همه خطرهای می روم. او در سخنرانی خود در دانشگاه امیرکبیر در روز دانشجو گفت:

«آقای خامنه ای بدانید با ظلم و ستمی که به ملت می کنید نابود خواهید شد.»

نیروهای امنیتی حاکمیت او را هنگام خروج از دانشگاه محاصره کرده و با یورش وحشیانه وی را دستگیر کردند. پس از اقدام نیروهای میدانی فاشیسم، نیروهای رسانه ای آن به کار افتادند تا با ادعای خروج او در پوشش زنانه، تلاش کنند تا در نگرش خود این فعال سیاسی را تخریب کنند. مدیران خبرگزاری های جمهوری اسلامی، همچون تمام روسای این حاکمیت زن ستیز، زن را موجودی ترسو، فرودست، حقیر و درجه دو تصور می کنند و قصد داشتند با این عملیات رسانه ای خود، مجید توکلی را شخصی تصویر کنند که از آنها چنان ترسیده که لباس زنانه به تن کرده است.

اما شگفتا که حقیقت امروزین جامعه در باشکوه ترین تصاویرش در خیابان ها جلوه گر است. زنان و دختران

۱۶ آذر در شهرستان ها

دانشگاه بوعلی همدان- در ساعت ۱۲ ظهر ۱۶ آذر این دانشگاه تریبون آزادی به ابتکار بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی دانشجویان مستقل در دانشکده علوم جهت کنترل دانشجویان و ممانعت از رادیکال شدن اعتراضات برگزار می شود که با استقبال سرد دانشجویان مواجه می شود، در مقابل دانشجویان معترض در حین برگزاری تریبون آزاد در طبقه دوم دانشکده ی علوم تجمع می کنند.در این میان دو تن از دانشجویان معترض که یکی از آنها دختر بوده است توسط افراد لباس شخصی از طبقه دوم به بیرون پرتاب می شوند که بنابر گفته شاهدان عینی، به شدت مصدوم شده اند. پس از این اتفاق، فضای دانشگاه بوعلی به شدت متشنج شده و همزمان با آن عده ای افراد لباس شخصی به دانشگاه حمله برده و به برخورد با دانشجویان پرداختند. دانشجویان در حالی که در محاصره نیروهای امنیتی و لباس شخصی بوده اند تا ساعت ها با در دانشگاه حضور داشته و حاضر به ترک دانشگاه نبودند.

دانشگاه آزاد قزوین- دانشجویان دانشگاه آزاد قزوین هم بار دیگر دانشگاه را به صحنه اعتراض علیه رژیم تبدیل کردند. همزمان با فرارسیدن ۱۶ آذر روز دانشجویان دانشجویان دانشگاه آزاد قزوین علی رغم تدابیر شدید امنیتی که برای جلوگیری از این تجمع تدارک دیده شده بود دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این تجمع که حدود ۴ هزار نفر در آن شرکت داشتند دانشجویان با در دست داشتن تصاویر شهدای دانشگاه (امیر جواد فر و اشکان سهرابی) و سر دادن شعار هایی اعتراض و انزجار خود را از دولت کودتا و حامیانش اعلام کردند. تجاوز ، خیانت ، لعنت به این ولایت- خامنه ای قاتله ولایتش باطله، مرگ بر خامنه ای، و مرگ بر دیکتاتور از جمله شعارهایی بود که توسط دانشجویان سر داده شد.

دانشگاه آزاد نجف آباد- شانزدهم آذرماه فریاد مرگ بر دیکتاتور در دانشگاه آزاد نجف آباد نیز طنین انداز شد. تجمع ۱۶ آذر دانشجویان دانشگاه آزاد نجف آباد در حالی برگزار شد که با بازداشت ۳ دانشجو و احضار بیش از ۵۰ دانشجو این دانشگاه و بازجویی حراست دانشگاه از بیش از صد دانشجو طی هفته گذشته، مسئولین این دانشگاه انتظار تجمع اعتراضی دانشجویان را نداشتند. دانشجویان دانشگاه آزاد نجف آباد تجمع خود در روز دانشجو شعارهایی همچون «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و «دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد» سر دادند. در ادامه با ورود نیروهای بسیج ، دانشگاه به صحنه مبارزه و رویارویی دانشجویان با فالانژهای رژیم تبدیل شد.

دانشگاه مشهد- همزمان با دانشجویان سراسر ایران، هزاران تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی و آزاد مشهد نیز با سر دادن شعارهایی بر علیه رژیم، و به ویژه مرگ بر دیکتاتور در دانشگاه های خود به پا خاستند. دانشگاه تبریز- ۱۶ آذر تبریز امسال سرخ تر و باشکوه تر از همیشه و با حضور چشمگیر دانشجویان و جوانان، با در دست داشتن پلاکاردهای سرخ و با سردادن شعارهای رادیکال بر علیه رژیم برگزار شد.

دانشگاه شیراز- دانشجویان دانشگاه شیراز که در چندماهه اخیر به یکی از پایگاه های اصلی مبارزه دانشجویی بر علیه رژیم بدل شده است با وجود تدابیر امنیتی و تهدیدات رژیم، ۱۶ آذر متفاوتی رقم زدند. دانشجویان شیرازی که پیش از برگزاری مراسم با انتشار شنبامه هایی مردم را به حضور گسترده و حمایت از دانشجویان فراخوانده بودند در زیر بارش شدید باران و با شعار زنده باد آزادی/ برابری و حاکمیت مردم، به استقبال نیروهای مزدور رژیم رفتند. در این اعتراضات عکس خامنه ای نیز به آتش کشیده شد. شنیده ها حاکی از آن است که ۶ نفر از دانشجویان این دانشگاه بازداشت شده اند به این ترتیب تعداد بازداشتی های دانشجویان شیراز به ۳۰ نفر رسیده است.

دانشگاه بروجرد- دانشگاه آزاد بروجرد نیز شاهد اعتراضات و خروش دانشجویان این دانشگاه بر علیه حاکمیت بود. در پی برگزاری باشکوه روز دانشجو در این دانشگاه، برخی سایت ها خبر از بازداشت دو تن از دانشجویان این دانشگاه در ۱۷ آذر دادند.

دانشگاه اصفهان- دانشگاه اصفهان نیز علیرغم تدابیر شدید امنیتی صحنه اعتراضات گسترده دانشجویان و درگیری ایشان با نیروهای لباس شخصی بود. صدها تن از دانشجویان این دانشگاه در محوطه این دانشگاه با تجمع و سردادن شعارهای رادیکال همبستگی خود را با حرکت اعتراضی مردم و دانشجویان دیگر دانشگاه ها اعلام کردند.

همچنین مراسمی در دانشگاه صنعتی شاهرود، سمنان دانشگاه سمنان، دانشگاه کرمانشاه و برخی از دانشگاه های دیگر برگزار شد.

برای دانلود آرشیو خیابان:

<http://www.negah1.com/xyaban/>
XYABAN.htm

<http://www.iran-archive.com/khiaban/>
khiaban.html



دانشگاه در آغوش خیابان

دانشجو از ان سوی نرده ها شعار می دهد و مردم از این سمت تشویق می کنند. دانشجویان گویا درب دانشگاه رامی شکنند و به مردم می پیوندند. هنوز از بیرون دانشگاه مبهوت این صحنه ایم که از چند جانب به وحشیانه ترین شکل حمله می کنند. یگان های ویژه و بسیج با شوک الکتریکی و باتوم به جان مردم و دانشجویها می افتند. ما هم می گریزیم. شاهدانی می گفتند لباس شخصی ها به پلی تکنیک هجوم برده و وارد دانشگاه شدند. و هم اکنون دانشگاه در محاصره یگان های ویژه است و به آن ها اجازه خروج نمی دهند و خیلی ها را هم دستگیر کرده اند. انگار مردم چند اتوموبیل را در حافظ به اتش می کشند. تا ساعت ۲ پلیس می کوشد جمعیت را متفرق و پراکنده کند اما از ایجاد رعب و وحشت ناتوان است. هرچه می زند و می گیرد و میندند ره به جایی نمیرد و همچنان درگیری ها در چهارراه ولیعصر و انقلاب و تمام فرعی ها ادامه دارد. مردم که مرعوب نمی شوند به هم که می رسند اخبار جاهایی که در آن بودند را به هم می رسانند و همدیگر را تشویق به ماندن در خیابان می دهند. پلیس خیلی دلش می خواهد همین ساعت تمام این درگیری های پراکنده تمام شود. با تعطیل شدن ادارات و مدارس قطعا هم جمعیت بیشتر می شود و هم ترافیک سنگین تر. تمام خیابان های منتهی به انقلاب را با نرده هایی که وسط آن قرار دادند می بندند. اما جمعیت گویا خیال بازگشت به خانه را ندارد اطراف می چرخند از بالا به پایین و باز از پایین به بالا و باز هر گوشه ای جمعیتی تجمع می کند مرگ بر دیکتاتورش طنین انداز می شود. «موسوی بهانه است قلب نظام نشانه است» هم از آن شعارهایی بود که بوی دیگری داشت. رفته رفته هر چه هوا سردتر می شود بر تراکم جمعیت و اتوموبیل ها افزوده می شود. پلیس هر جا را که می بندد فایده ندارد مشغول سرکوب گوشه ای ناگهان مردم از ایستگاه اتوبوس شعار می دهند به آنها که حمله می کند مردم از داخل اتوبوس ها ها شعار می دهند و یگان های ویژه را هو می کنند. پلیس مستاصل دیگر یارای حمله به اتوبوس ها را نداشت. این ساعت نیز هنوز فرعی های انقلاب ملتهب بود مردم در حال اعتراض به ناگاه با حمله وحشیانه موتور سوارها ی بسیجی مواجه شدند که بدون ملاحظه در میان جمعیت تیر هوایی شلیک می کردند. ساعت ۴ تا ۶ اوج مبارزه خیابانی و تعقیب و گریز و همراهی سواری ها و پیاده ها بود. ماشین ها خیابان را پر از صدای بوق کرده بودند مردم در پیاده روها شعار می دادند و اتوموبیل ها را تشویق می کردند. یگان ها و بسیجی ها گیج و کلافه شده بودند خیابانی ها همه جا هستند در هر کوچه و پس کوچه، اتوبوس و تاکسی. بعضی هاشان مودبانه از مردم می خواستند خیابان را ترک کنند. اما جمعیت خیال بازگشت به خانه را نداشت. تا ساعت ۹ این تعقیب و گریزها و بوق ها و فریادهای «مرگ بر دیکتاتور» ادامه یافت.



اخباری از دستگیری ها

مهدی الهیاری ربوده شد

مهدی الهیاری از «دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب» دانشجوی فوق لیسانس شیمی دانشگاه صنعتی شریف توسط مامورین وزارت اطلاعات در محل کار خود ربوده و به نقطه نامعلومی منتقل گردید. از روز گذشته تا به امروز خانواده او به تمامی مراکز مراجعه کردند تا اینکه حوالی بعد از ظهر امروز ستاد پیگیری وزارت اطلاعات خبر دستگیری او را تایید کرد. مهدی الهیاری، در پی بازداشت گسترده «دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب» در ۱۳ آذر ۸۶ بازداشت و به بند زندان اوین منقل گردید. وی پس از تحمل ۵۵ روز بازداشت و انواع شکنجه با وثیقه ای سنگین آزاد گردید و بعد از آزادی و بازگشت به دانشگاه از خوابگاه دانشگاه صنعتی شریف اخراج شد.



شایان ذکر است، مهدی الهیاری اخیرا در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه ای از اعضای کمیسیون مرگ قتل عام زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ مورد محاکمه قرار گرفت و به ۲ سال حبس تعزیری محکوم گردید.

کامران آسا برادر کیانوش آسا دستگیر شد

خبرگزاری دیده بان حقوق بشر کردستان: کامران آسا برادر دانشجوی جان باخته کیانوش آسا به همراه یکی از بستگان خانوادگی و دوست کیانوش به نام بیژن رضایی ظهر روز گذشته در تهران بازداشت شدند.

ظهر دوشنبه ۱۶ آذر پس از برگزاری تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، کامران آسا که به دعوت دانشجویان این دانشگاه به نمایندگی از خانواده کیانوش آسا در مراسم روز دانشجو حضور یافته بود، هنگام خروج از دانشگاه علم و صنعت به همراه بیژن رضایی توسط نیروهای انتظامی مستقر در محل بازداشت شدند.

شب گذشته کامران آسا در تماس با خانواده ضمن اعلام خبر بازداشت خود و بیژن رضایی از محل نگهداری شان اظهار بی اطلاعی کرده است. خانواده کیانوش آسا و به ویژه مادر این دانشجوی کشته شده طی وقایع اخیر پس از انتخابات به شدت نگران وضعیت نگهداری و امنیت جانی کامران و همچنین بیژن رضایی هستند. کیانوش آسا دانشجوی ترم آخر رشته ی مهندسی پتروشیمی در مقطع کارشناسی ارشد و از نخبگان دانشگاه علم و صنعت ایران بود.

وی در جریان تظاهرات میلیونی ۲۵ خرداد در میدان آزادی تهران از سوی نیروهای مسلح وابسته به دولت مورد اصابت گلوله قرار گرفت.

دستگیری سه دانشجوی چپگرا در شیراز

بنابر گزارشات صبح روز دوشنبه ۱۶ آذر ساعت ۸ صبح «سید محمد محسن موسوی» دانشجوی سوسیالیست شیراز بازداشت و هنوز از وضعیت وی خبری در دست نیست.

به دنبال تهدید و فشارهای فراوانی از سوی نیروهای امنیتی در شیراز و امنیتی کردن فضای شهر، روز ۱۶ آذر روز دانشجو محسن موسوی بعد رفتن به سمت فوقانی خوابگاه مفتح بازداشت و هنوز از وضعیت وی خبری در دست نیست.

همچنین نجما رنجبران دیگر دانشجوی سوسیالیست شیراز همراه با «سبحان حیدری» فعال چپ دانشجویی شیراز از سوی نیروهای امنیتی رژیم سر فلکه آرم بازداشت شده اند و از وضعیت آنها هیچ خبری در دسترس نیست.

دکتر فرزاد کلبعلی ربوده شد

دکتر فرزاد کلبعلی دانشجوی چپ دانشگاه تهران ربوده شد. بنا به گزارشات لحظاتی پس از پایان یافتن اعتراضات دانشجویی در دانشگاه تهران، دکتر فرزاد کلبعلی دانشجوی چپ دانشگاه تهران توسط نیروهای امنیتی ربوده شد.

خیابان و پلیس

امروز از صبح نیروهای بسیاری در خیابان مستقر شده بود یگان های ویژه تا بن دندان مسلح دانشگاه را محاصره کرده بودند. صدای شمار از توی دانشگاه می آید اما چیزی از بیرون به چشم نمی خورد. پیرزنی از میان صف پلیس ها عبور می کند و بلند بلند می گوید «مغول ها، قوم مغول دست از سر بچه هامون بردارید» پلیس ها فقط نگاهش می کنند. افسر راهنمایی با مهربانی هرچه تمام تر انگار از ته قلبش خوشحال است که امروز کاره ای نیست اتوموبیل ها را هدایت می کند و با حوصله جوابشان را می دهد. یگان ویژه ها هم تمام خیابان های اطراف دانشگاه را به محاصره خود در آورده اند. این ها غالبا مردهای جوان و قوی هیکلی هستند که خیلی مردم از ان ها کتک خورده اند و خیلی ها را هم دستگیر کرده اند. اما وقتی در صفوف طولیل کنار خیابان می ایستند انگار می کوشند چشم تو چشم مردم نشوند تا مبادا مجبور شوند هزاران سوال بی پاسخ آنان را جواب دهند. خیلی ها دیده اند و خیلی ها شنیده اند که چقدر گاهی در تعقیب و گریزها می گذارند مردم فرار کنند و چقدر از زدن طفره می روند. البته خیلی ها هم وحشیگری های بیشماری را به چشم دیده یا خود تجربه کرده اند. اما وقتی که مودب کنار خیابان می ایستند حال دیگری دارند. پیرزنی یقه یکیشان را گرفته «مگر شما ایرانی نیستید» پسر جوان بی پاسخ و حاج و واج اطراف را می نگریست تا فرمانده آمد و نجاتش داد. مادران بسیاری سعی می کنند سر صحبت را با ان ها باز کنند. مرد جوان می گوید «من مادرم گفته نمی بخشمت کسی را بزنی خانما من تا حالا کسی را نردم» اینقدر حضورشان عادی شده که وقتی قصد حمله ندارند کسی از سر راهشان نه تنها کنار نمی رود بلکه متلک هم به آنها می اندازد. فقط می توانند خود را به نشنیدن بزنند. یکی از همین ها به دختری اصرار می کند آن سمت نرود دختر



بی توجه از لابلای موتورهای روشن شان رد می شود و می گوید «آره وقتی شما اینجاید فقط عبور مرور ارواح آزاده». نیروی تا بن دندان مسلح با مردم حرف می زند. همدردی می کند و یا در بسیاری مواقع پاسخی ندارد. ان ها هم ۶ ماه است که در خیابانند و بسیار فریادهای «حمایت حمایت» یا «خجالت خجالت» مردم را شنیده اند. بعضی ها صراحتا می گویند ما نستیم این بسیجی ها هستند که می زنند. عده ای می گویند ما ماموریم و معذور و قبل از این که حمله کنند هشدار هم می دهند. خیلی ها هم خاطراتی دارند که پلیس نجاتشان داده یا حتی بهشان گفته از کدام طرف بگریزند زیرا پلیس ان طرف ها نمی آید. نیروهای نظامی حاضر در خیابان ها رنگارنگ اند. مردم تکلیف خود را با بسیج و لباس شخصی ها روشن کرده اند. اما آن نیرویی که بدنه مردمی دارد تا کجا می تواند دوام آورد. بسیاری خاطرات انقلاب را برای جوان ها یادآوری می کنند که ارتش چگونه به مردم پیوست. خیابان ها دیگر تاریک شده اما صدای کرکننده بوق اتوموبیل ها قطع نمی شود یکی از فرمانده ها خطاب به مردم التماس می کند به خانه هاتان برگردید.



گزارشی از تظاهرات اعتراضی مردم در روز ۱۶ آذر

جمعیت تظاهرات کنندگان غافلگیرانه بود

همزمان با تجمعات مردمی در بیرون از دانشگاه تهران _ مردم به دلیل کنترل شدید افراد انتظامی و بسیج، به صورت پراکنده اما هدفمند تمامی کوچه های شمالی، جنوبی، شرقی و غربی اطراف دانشگاه و میدان انقلاب را به تصرف خود در آورده بودند_ از حدود ساعت ۱ ظهر، گروهی از دانشجویان بسیجی داخل دانشگاه پلی تکنیک با راه اندازی تریبون آزادی علیه میرحسین موسوی و در دانشگاه تهران با تظاهرات ۱۰۰۰ نفری بسیجیان با در دست داشتن پرچم های ایران و سبز رنگ، شعارهایی با مضمون « مرگ بر ضد ولایت فقیه»، «حیدریم، حیدریم»، «علمدار ولایت، دانشجویان فدایت»، «الله اکبر» و «ماشالله، حزب الله» سر دادند که با واکنش دانشجویان منتقد و حامی اصلاحات در هر دو دانشگاه مواجه و منجر به درگیری فیزیکی میان دانشجویان منتقد و بسیجی شد.

گزارش های دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک، هنر و صنعتی شریف به خبرنگار «خیابان» ضمن تایید این وقایع، نشان می دهد که در پی برگزاری تجمعات گسترده دانشجویان در روز ۱۶ آذر در دانشگاه های هنر و پلی تکنیک تهران و شریف، نیروهای بسیجی و لباس شخصی که از حمایت نیروهای یگان ویژه برخوردار بودند به این دانشگاه ها حمله کردند. بنا بر این گزارشات، حمله به تجمع در ساعت ۱۰:۳۰ در دانشگاه هنر و ساعت ۱۲ در دانشگاه پلی تکنیک آغاز شد. تعداد معترضین در دانشگاه هنر ۲۰۰۰ نفر و در دانشگاه پلی تکنیک ۵۰۰۰ نفر تخمین زده می شود. در این تجمعات دانشجویان معترض بر ضد دولت کودتا و مقام های ارشد حکومتی شعار دادند. ساعت ۱۲ دانشجویان دانشگاه هنر و دانشگاه پلی تکنیک نزدیک در خیابان ولیعصر به هم پیوستند. گفته می شود در این تجمع عکس احمدی نژاد توسط دانشجویان به آتش کشیده شد و متعاقبا تعدادی از دانشجویان دانشگاه هنر و پلی تکنیک بعد از شلیک گاز اشک آور از سوی ماموران، بازداشت شدند. دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف پیش از آنکه با دانشجویان بسیجی این دانشگاه درگیر شوند، در حرکتی ابتکاری اقدام به هوا کردن تعدادی بادبادک سبز رنگ کردند. همچنین گفتنی است در پی حمله نیروهای بسیجی با سنگ و آجر به دانشگاه یکی از نگهبانان دانشگاه بی هوش شد. اخبار تایید نشده ای نیز حاکی از کشته شدن یکی از معترضین در حدود ساعت ۲ بعدازظهر است.

در تماس خبرنگار «خیابان» با دانشجویان و ساکنین برخی مناطق تهران، مشخص شد درگیری های پراکنده ای نیز در خیابان آزادی (حوالی خیابان قریب تا خوش)، سیدخندان، پونک، میدان‌های فردوسی، ولی عصر، امام حسین، هفت تیر و فلسطین و برخی پاساژهای خیابان جمهوری اسلامی، از جمله حوالی مرکز تجاری علاءالدین صورت گرفته است که برخی از آنها به درگیری میان مردم و نیروهای امنیتی ختم شد. با اینکه فضای امنیتی این تظاهرات شکلی متفاوت و قوی تر از تظاهرات روز ۱۳ آبان داشت اما حضور اعتراضی مردم در خیابان انقلاب و مقابل دانشگاه تهران تا ساعت ۷ و سی دقیقه ادامه داشت.

طبق آخرین خبر از سوی سایت حامی دولت، فارس، بازجویی افراد معترض دستگیر شده در روز ۱۶ آذر، از ساعتی پیش، به دستور عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان تهران، آغاز شده است. گفتنی است سایت دیگر حامی دولت، ایرنا، در حالی که تمامی سایت های منتقد و حامی دولت اقدام به انتشار گزارش های متعدد و لحظه به لحظه از وقایع این روز کردند، تنها به انتشار یک گزارش بسنده کرد. گویی اصلا در این روز هزاران تهرانی خیابان های این شهر را به تصرف در نیاورده یا نیروهای امنیتی تعداد زیادی از مردم و دانشجویان را در این روز دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار نداده اند.

بیانیه کانون نویسندگان ایران در محکومیت سرکوب دولتی

آزادگان ! آزادی‌خواهان !

از منجنیق سرکوب هم‌چنان سنگ فتنه می‌بارد. روز جمعه ۱۳ آذر– روز مبارزه با سانسور– از برگزاری مراسم بزرگداشت محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، جان‌باختگان راه آزادی و ستم‌ستیزی، جلوگیری کردند. روز بعد، شنبه ۱۴ آذر، در پارک لاله تهران به تجمع مادران عزاداری که جگرگوشه‌های‌شان را در شکنجه‌گاه‌ها و خیابان‌ها به خون کشیده‌اند یورش بردند و ضمن ضرب و شتم بی‌رحمانه‌ی این سالخوردهگان داغدار بیش از بیست تن از آنان را بازداشت و روانه سیاه‌چال‌ها کردند. دوشنبه ۱۶ آذر، روزنامه «حیات نو» را توقیف کردند. و سرانجام سرکوب روزهای اخیر به اوج خود رسید و در طول روز و شب ۱۶ آذر مراسم مسالمت‌آمیز «روز دانشجو» با چماق و باتوم و گاز اشک‌آور و تیراندازی روبه‌رو شد و صدها تن از دانشجویان و مردم معترض و آزادی‌خواه دستگیر شدند.

مردم شریف و آزاده !

ما می‌پرسیم مگر نه این که حاکمیت خود در دی‌ماه ۱۳۷۷ پذیرفت که پوینده و مختاری و نیز پروانه اسکندری و داریوش فروهر توسط عناصر وزارت اطلاعات به قتل رسیدند؟ پس چرا مانع برگزاری مراسم یادبود این ستم‌کشگان می‌شود؟ مگر نه این که قرار شد شکنجه‌گران متولی کهریزک به جرم کشتار فرزندان مادران عزادار محاکمه شوند؟ پس چرا به تجمع توأم با سکوت این مادران یورش می‌برند و آنان را به ضرب مشت و باتوم بازداشت می‌کنند؟ مگر نه این که آزادی مطبوعات و نشریات از جمله دست‌آوردهای انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷ است که حاکمیت کنونی قاعدتا باید آن‌ها را پاس بدارد؟ پس چرا حتی همین نشریات خودی را که از سوی جناحی از خود حاکمیت منتشر می‌شوند برنمی‌تابد و آن‌ها را یکی پس از دیگری به محاق توقیف می‌برد؟ مگر نه این که «روز دانشجو» در مخالفت با کودتای سیاه و ننگین ۲۸ مرداد و ورود نیکسون جنایتکار به ایران در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ شکل گرفت و حاکمیت کنونی ظاهرا خود را «میراث‌دار» آن مبارزه‌ی ضداستبدادی– ضدامپریالیستی می‌داند؟ پس چرا مراسم دانشجویان را این چنین وحشیانه در هم می‌کوبد؟

مردم آزادی‌خواه !

چنان که در یکی از بیانیه‌های اخیر اعلام کرده‌ایم، حاکمیت در مسیری افتاده است که ادامه حیات خود را در تشدید بیش از پیش سرکوب و ستم جست‌وجو می‌کند، راه بی‌بازگشتی که فرجام آن از هم‌انکون روشن است: آنان که باد می‌کارند، توفان درو خواهند کرد. پاسخ پرسش‌های بالا را در این واقعیت عریان باید یافت. ما تشدید ستم و سرکوب را محکوم می‌کنیم و بر اساس منشور خود آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا را حق مسلم همگان می‌دانیم و بر آن پای می‌فشاریم. به نظر ما، آن چه گذشت همه از مصادیق بارزِ سرکوبِ آزادیِ بیان است.

کانون نویسندگان ایران

۱۷ آذر ۱۳۸۸

بیانیه گروهی از کارگران ایران خودرو در خصوص بازداشت شدگان روز دانشجو

گروهی از کارگران ایران خودرو با انتشار بیانیه ای خبر از بازداشت دهها عضو خانواده ی کارگری ایران خودرو در اعتراضات روز دانشجو داده اند و خواستار آزادی فوری کلیه دستگیر شدگان گشته اند. این بیانیه که در سایت خودروکار منتشر شده است به شرح زیر می باشد:

دوستان وهمکاران گرامی

برگزاری مراسم روز دانشجو با وجود فضای امنیتی و حمله نیروهای پلیس به شرکت کنندگان در میان هزاران نفر دانشجو و دیگر زحمتکشان برگزارشد حضور گسترده زحمتکشان وبخصوص کارگران در این مراسم وابستاند کارگران در کنار دانشجویان یکی از ابعاد بزرگ مراسم روز ۱۶ آذر امسال بود .به همین دلیل در میان دستگیر شدگان دههائفر از خانواده کارگران بخصوص کارگران ایران خودرو دیده می شود.

ماجمعی از کارگران ایران خودرو ضمن محکومیت حمله نیروهای پلیس به شرکت کنندگان خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان روز دانشجو هستیم

جمعی از کارگران ایران خودرو

